

مهاجرت معکوس یهودیان ایرانی به اسرائیل



بن گوریون اولین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در باب ضرورت مهاجرت یهودیان جهان به سرزمین فلسطین می‌گوید: مهاجرت به فلسطین به منزله خونی است که ادامه حیات اسرائیل را بیمه می‌کند و ضامن امنیت و آینده اسرائیل است.

بن گوریون اولین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در باب ضرورت مهاجرت یهودیان جهان به سرزمین فلسطین می‌گوید: مهاجرت به فلسطین به منزله خونی است که ادامه حیات اسرائیل را بیمه می‌کند و ضامن امنیت و آینده اسرائیل است. (1)
وی در جایی دیگر و در قبال حرکت برخی یهودیان که تنها خواستار دفن جسدشان در فلسطین هستند، بیان می‌کند که: نیاز داریم که یهودی‌ها در اسرائیل زندگی کنند، مرده آنان را نمی‌خواهیم. (2)

وی در دولت خود در همان سال‌های ابتدایی تشکیل دولت صهیونیستی قانون تابعیت را در کنست به تصویب رساند. در این قانون که در سال 1950 نهایی شد، به همه یهودیان طبق ماده یکم از قانون بازگشت، حق می‌دهد که به عنوان مهاجر به فلسطین بیایند.

قانون تابعیت که خود شامل تابعیت یهودی و تابعیت غریبه‌یهودی است به چهار دسته از یهودیان حق تابعیت می‌دهد:

1. یهودیانی که پیش از برپایی دولت به فلسطین آمده یا در آنجا متولد شده‌اند.
 2. یهودیانی که پس از برپایی دولت به آن سرزمین آمده‌اند.
 3. یهودیانی که از آن هنگام به بعد در آنجا متولد شده‌اند.
 4. یهودیانی که تمایل خود را جهت سکونت در فلسطین اعلام کرده و روادید مهاجرت دریافت نموده‌اند. (3)
- از سوی دیگر یهودیان جهان نیز نسبت به تشکیل رژیم صهیونیستی چهار نوع عکس‌العمل از خود بروز داده‌اند: نخست بخشی از یهودیان متعصب که تشکیل دولت یهودی را فقط در حیطه توانایی ماشیا می‌بینند و بر این باورند که تأسیس چنین دولتی تا هنگام ظهور منجی موعود به تأخیر خواهد افتاد. از این رو آنها دولت فعلی اسرائیل را در تعارض با تعالیم مذهب ارزیابی می‌کنند و آن را جدی نمی‌گیرند.
- دوم؛ یهودیانی که دولت اسرائیل را به عنوان سومین دولت یهودی پس از سلطنت داود و سلسله حکومت هسموئیم [یا هشمونائیم] به رسمیت می‌شناسند و رستگاری را در چارچوب تجمع یهودیان جهان در این منطقه و زیر پرچم این دولت جستجو می‌کنند.

سوم بخش بزرگی از یهودیان که زادگاهشان را وطن می‌بینند. بسیاری از این گروه به هر حال به خاطر وابستگی عاطفی خویش به یهودیت، از اسرائیل و دستاوردهای فرهنگی آن پشتیبانی می‌کنند، در عین حال واقعیت‌های عینی را نیز انکار نمی‌کنند و توهمی در رابطه با مهاجرت به اسرائیل ندارند. برخی از این بخش، زندگی در زادگاه خویش را برای پشتیبانی از دولت یهودی ضروری تشخیص می‌دهند یا حداقل این چنین وانمود می‌کنند.

چهارم؛ آن بخش از آن یهودیان هستند که به اختلاط و آمیزش با دیگر اقوام اعتقاد دارند و زندگی را جدا از دیگران نمی‌پسندند... در دیدگاه چهارم دولت اسرائیل دولتی است مانند صدها دولت دیگر که در عرصه سیاست جهانی از حقوق برابر با دیگر دولت‌ها برخوردار است. (4)

مخاطب این مقال از میان یهودیان مذکور، عده‌ای هستند که به دعوت صهیونیست‌ها به هر دلیل پاسخ مثبت داده و در سرزمین فلسطین ساکن شده‌اند و هم‌اکنون پس از گذشت نزدیک به 60 سال از این اسکان نامشروع به دریافتی متفاوت از اقدام اولیه خود رسیده‌اند. این دریافت که به مذاق رهبران صهیونیسم نیز خوش نمی‌آید، موجبات مسائل جدیدی برای صهیونیسم شده است. به عنوان مثال برای نسل قدیم اسرائیلی‌ها این پرسش مطرح بود که چگونه به اسرائیل احترام بگذارند؟ در حالی که برای نسل پس از 1976، سؤال این است که چرا باید به اسرائیل احترام گذاشت؟ (5)

این دریافت متفاوت و جدید برای مذهبیون صهیونیست در جای دیگر نگرانی دیگری نیز ایجاد کرده است، چنان که در دهه 1940 تنها 7 درصد از یهودیان با اقوام دیگر ازدواج می‌کردند. در اوایل دهه 1960 این رقم به 17 درصد و اکنون نزدیک نصف و طبق برخی نظریات حتی بیشتر شده است. (6)

آنچه نگرانی روزافزون صهیونیست‌ها را افزایش می‌دهد مهاجرت معکوس است. یعنی با تمام مخارج و تلاش آزانس یهود نزدیک به 3 میلیون یهودی از 14 میلیون یهودی موجود در جهان که به فلسطین مهاجرت کرده‌اند هم‌اکنون خواستار بازگشت به سرزمین‌های خود یا جایی بهتر از این سرزمین برای زندگی هستند و جالب است که این اقدام از سوی برخی کارشناسان یهودی همچون پروفیسور چارلز لیمن از دانشگاه بارایلان و برنده جایزه تحقیق در مورد یهودیان آمریکا قابل سرزنش نیست. وی در این مورد می‌گوید:

مهاجرت معکوس از فلسطین اشغالی منطقی و قابل توجیه است. (7)

حتی از سیاسیون از جمله عضو کنست همچون کوهن نیز این اعتراف را می‌شنویم که مهاجرت از اسرائیل به ایده ارزشمند

بازگشت به ارض موعود لطمه می‌زند، اما زندگی و امرار معاش مسئله‌ای است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. (8) این عده از موافقان و توجیه‌کنندگان مهاجرت معکوس در پاسخ به اظهارات تند اسحاق رابین که مهاجران را ته‌مانده‌های جامعه اسرائیل خطاب کرده بود (9) می‌گویند:

نیازی نیست که کسی به خاطر ترک اسرائیل شرمسار باشد، در حقیقت دولت اسرائیل باید به خاطر اینکه باعث شده جوانان، کشور را ترک کنند، شرمسار باشد. دولت اسرائیل کشور را برای تعداد زیادی از مردم تنگ ساخته است. (10)

این عده بر این اعتقادند که زندگی در اسرائیل انتخاب یک زندگی سطح پایین است (11) و بی دلیل نیست که رشد روزافزون مهاجرت از فلسطین نگرانی صهیونیست‌ها را دوچندان کرده است.

بر اساس نظرسنجی مؤسسه گالوپ آن هم در سال 1990 که برای روزنامه هآرتس انجام شده بود تمایل اسرائیلی‌ها برای مهاجرت از کشور خودشان حتی از کشورهای اروپای شرقی بیشتر است... در آن زمان پیش‌بینی شده بود که در سال 2000 بیش از 800/000 اسرائیلی کشورشان را ترک خواهند کرد. (12)

در یک بررسی نزدیک به این تاریخ از گزارش شموئیل لاهیس، مدیر سابق آژانس یهود، آمده است که هم‌اکنون (اواخر دهه 80) در ایالات متحده آمریکا بین 300 تا 500 هزار اسرائیلی زندگی می‌کنند که از اسرائیل به آمریکا مهاجرت کرده‌اند. (13)

در عین حال برخی آمارهای غیررسمی ولی قابل اعتنا حاکی از آن است که هم‌اکنون بیش از یک میلیون یهودی، فلسطین اشغالی را ترک کرده‌اند. (14)

دولت صهیونیستی در قبال این وضع تدابیری اندیشیده است: از جمله تصویب 100 میلیون شیکل، معادل 24 میلیون دلار، برای تشویق صهیونیست‌ها به مهاجرت به فلسطین اشغالی از سوی وزارت جذب مهاجران (15) و یا اجرای طرح «مسا» به منظور جذب سالانه 20 هزار جوان یهودی جهت تحصیل در اسرائیل به مدت یک ترم با هزینه دولت اسرائیل و آژانس یهود با اختصاص سرمایه‌ای معادل 10 میلیون دلار. (16)

با این اوصاف هیچ نقطه روشن و امیدبخشی در برخورد با مهاجرت معکوس ایجاد نشده است و کماکان درخواست مهاجرت از اسرائیل رو به افزایش است. بر اساس گزارش رسمی اداره آمار وزارت کشور رژیم صهیونیستی طی سه سال اخیر یک چهارم صهیونیست‌هایی که از سال 1989 میلادی به فلسطین اشغالی مهاجرت کرده بودند به زادگاه خود بازگشته‌اند. از این تعداد 25 درصد کانادایی، 22 درصد آمریکایی، 19 درصد آفریقای جنوبی، 10 درصد انگلیسی، 16 درصد فرانسوی، 11 درصد آمریکای جنوبی، کمتر از یک درصد فالاشه‌ها و 6 درصد از کشورهای شوروی سابق هستند. (17)

نظرسنجی‌های به عمل آمده در خصوص سن مهاجرین معکوس حاکی از آن است که 28٪ از اسرائیلی‌ها که بین 25 تا 44 سال دارند به فکر مهاجرت از اسرائیل می‌باشند. این در حالی است که این رقم در میان اسرائیلی‌هایی بین 44 تا 54 سال به 8 درصد و بالای 55 سال به 2 درصد کاهش می‌یابد. (18)

در گزارش‌های تکمیلی از این مهاجرت، نشان می‌دهد که عمده مهاجرین رو به اروپا و عمدتاً آمریکا دارند. طبق آمار منتشر شده در سال 2006، تعداد 14313 اسرائیلی تابعیت آلمانی گرفته‌اند که نشان‌دهنده افزایش بیش از 50 درصدی در مقایسه با سال 2005 است. (19) بر پایه آمار دولت آلمان هم‌اکنون حدود 200 هزار یهودی در این کشور زندگی می‌کنند. در حالی که جمعیت آنان پس از فرو ریختن دیوار برلین 25 هزار نفر بوده است. (20) دان سان، وکیل مدافع صهیونیست‌هایی که خواهان دریافت شناسنامه آلمانی هستند، می‌گوید این شناسنامه به مثابه دفترچه بیمه عمر برای یهودیان است. (21)

در تشریح این وضعیت ذکر یک طنز تلخ از سوی یک یهودی عاصی شنیدنی است. وی می‌گوید از دو هزار سال پیش یهودیان جهان هر شب دست‌ها را به سوی آسمان می‌بردند و در حال دعا می‌گفتند «سال دیگر در اورشلیم». امروزه به خصوص از جنگ اکتبر سال 1973 تنها امیدی که در سینه یهودیان وجود دارد این است که دست دعا به آسمان بلند می‌کنند و می‌گویند سال آینده در نیویورک یا پاریس یا لندن یا مونیخ یا فرانکفورت، همه جا جز اورشلیم. (22) با این وصف، پذیرش ادعای یدیعوت آحارنوت از زبان یک جوان اسرائیلی که می‌گوید می‌خواهم گذرنامه اروپایی داشته باشم، (23) سخت نیست.

مهاجرت معکوس یهودیان ایرانی

چند گزارش از ساواک در آن زمان که رژیم پهلوی تسهیلات خاصی جهت مهاجرت یهودیان ایران به فلسطین ایجاد کرده بود نمایانگر تشابه خواست یهودیان ایرانی با سایر یهودیان است. در یکی از این گزارش‌ها آمده است: «از یک صد و بیست هزار یهودی ایرانی و ایرانی‌الاصل مقیم اسرائیل در حدود یک هزار خانواده هنوز تابعیت ایرانی خود را حفظ کرده و سالانه برای تمدید و یا تجدید گذرنامه خود به کنسولگری نمایندگی سیاسی شاهنشاهی مراجعه می‌کنند. در میان ایرانی‌های مقیم اسرائیل نارضایتی‌هایی بر اثر موانعی که برای بازگشت آنها به ایران وجود دارد موجود است... اکثریت قریب به اتفاق ایرانی‌الاصل‌های مقیم اسرائیل مایل‌اند بتوانند تابعیت قبلی خود را به دست آورده و به ایران مهاجرت کنند.» (24)

گزارش دیگری از ساواک اذعان می‌کند که پاسپورت و مدارک یهودیان ایرانی به هنگام پذیرش در فرودگاه تل‌آویو اخذ می‌شود که استفاده مجدد جهت بازگشت نشود. (25)

گزارش‌های ساواک از مهاجرت معکوس یهودیان ایرانی مفصل و متعدد است. به گونه‌ای که نشان‌دهنده توجه ویژه آنان به این امر است. از جمله اینکه در یکی از گزارش‌ها آمده است که «مدتی است جداً مهاجرت یهودیان ایرانی به علت وخیم بودن اوضاع اقتصادی و غیره به اسرائیل بسیار کم شده و بر عکس دسته دسته یهودیان ایرانی مهاجر که هنوز 5 سال تمام در اسرائیل به سر نبرده‌اند به تهران (ایران) مراجعت می‌نمایند و اغلب با سرمایه در تهران مشغول خرید و فروش زمین می‌باشند.» (26)

مصادیق بارزی از این شیوه عملکرد یهودیان مهاجر را می‌توان در زندگی برخی سینه‌چاکان صهیونیسم در ایران از جمله حبیب لوی نیز شاهد بود که در عین عشق مفرط به رژیم صهیونیستی برای زندگی در آنجا دوام نیاورد و به ایران بازگشت و پس از وقوع انقلاب اسلامی نیز به آمریکا گریخت و علی‌رغم توصیه مؤکد بن گوریون تنها جسدش به اورشلیم رسید. گویی این رژیم لیاقیت پذیرش تنها اجساد یهودیان را دارد و یا حکومت صهیونیستی حاکمیت بر مردگان است.

چرا مهاجرت معکوس؟

با این مرور مختصر از وسعت مهاجرت معکوس و فراگیری آن در جامعه صهیونیستی، وقت آن رسیده است که دلیل این اقدام از سوی یهودیان مورد توجه قرار گیرد.

متی گولان در کتاب خود که مناظره‌ای با الی ویزل است، به گونه‌ای واقع‌گرایانه بیان می‌کند که:

هیچ آدم عاقلی تورنتو را برای رفتن به اسرائیل ترک نمی‌کند مگر کسی که بازنشسته باشد، درآمد مناسبی داشته، بتواند برای خود یک ملک یا سهم مشاع با منظره بخش (شهر) قدیمی و مزرعه‌ای برای خودش در کوه زیتون بخرد و البته بی‌اینکه مجبور به رها کردن خانه‌های دیگر خود در تورنتو و میامی باشد. چند ماه در اینجا و چند ماه در آنجا بگذراند. (27)

نکته اصلی از این بیان گولان آن است که رژیم صهیونیستی جایی برای زندگی نیست. حداقل می‌توان مدت کوتاهی در آن اقامت داشت. در ادامه باید دلیل این نامساعد بودن زندگی را در بیان عاموس ساهر در مقاله‌اش در هاآرتص مرور کرد که می‌گوید:

من نیز نسل هشتم این کشور هستم به رغم اینکه از نظر اصل و نسب ریشه عمیقی بین یهودیان الخلیل دارم. یهودیانی که وقایع و کشتارهای چندین دهه را به چشم خود دیده و در شهر قدیمی بیت‌المقدس و در منطقه قدیمی یهودی‌نشین صفد زندگی کرده‌اند. اما با این وجود راه مهاجرت را برگزیده‌ام. زیرا خسته شده‌ام، زندگی برای من مهم‌تر از آن است که فلسطینی‌ها آن را به جهنم بکشاند. از سوی دیگر حماقت است که مرگی را انتخاب کنم که ثمره‌ای نداشته و اهداف موردنظر ما را تحقق نبخشد و ما را سعادتمند نگرداند. نمی‌توان کودکان و فرزندان را در معرض خطر قرار داد. به این خیال که روزی اهدافمان محقق گردد و سعادتمند شویم. سعادت توسط مرگ به دست نخواهد آمد. ما نمی‌توانیم آینده را به خدمت گذشته درآوریم. ما خواهان زنده بودن هستیم. (28)

از سوی دیگر سالای مریدور، و رئیس آژانس یهود، نیز به این نکته اعتراف می‌کند که بسیاری از افرادی که از مهاجرت به اسرائیل انصراف داده‌اند، افرادی هستند که ترس از عملیات استشهادهای را دلیل انصراف خویش ذکر کرده‌اند. او ضمن آنکه کاهش مهاجرت را به اسرائیل نگران‌کننده می‌نامد، یکی از دلایل این امر را انتفاضه دانست. (29) چنان که میانگین مهاجرت یهودیان از سال 1991، 74 هزار نفر بود ولی از سال 2001 با شروع اوج‌گیری انتفاضه اوضاع دگرگون شد و به 60 هزار نفر رسید. این رقم در سال 2002 به 43 هزار نفر و در سال 2003 به 33 هزار نفر و در سال 2004 به 21 هزار نفر رسید. (30)

در واقع طبق آمار 27 درصد از یهودیانی که خواهان مهاجرت از اسرائیل بوده‌اند در کنار سایر عوامل، ترس از عملیات شهادت‌طلبانه را عامل اصلی مهاجرت خویش قلمداد کرده‌اند (31) و این به معنای اهمیت و ضرورت امنیت برای یک یهودی است.

ایهود باراک در این مورد می‌گوید:

ما بهای سنگینی را برای حضور در این سرزمین پرداخته‌ایم... امروز تمامی کشورهای جهان در امنیت به سر می‌برند. ولی ما شصت سال است که به دنبال جایگاهی امن برای کودکان خود هستیم. (32)

در واقع یهودیان داشتن امنیت را به هر نیاز دیگری ترجیح می‌دهند و حاضر هم هستند که برای دستیابی به آن هزینه بالایی را نیز بپردازند؛ چرا که در پرتو امنیت است که می‌خواهند رفاه دنیوی را برای خود فراهم نمایند و به همین دلیل در صورت عدم دستیابی به آن مهاجرت را به اقامت ترجیح می‌دهند. هم‌اکنون بر اساس یک نظرسنجی از سوی روزنامه معاریو آشکار شده است که 72 درصد از صهیونیست‌ها از وضعیت امنیتی خود ناراضی هستند و حتی نسبت به موجودیت اسرائیل در آینده‌ای دور تردید دارند. (33)

عامل اصلی دیگری که باعث گسترش مهاجرت معکوس در میان یهودیان ساکن رژیم صهیونیستی شده است، اقتصادی نبودن حضور آنها در این سرزمین است. در واقع این رژیم صرفه اقتصادی مناسبی برای یهودیان ندارد.

و اگر این عامل برای سایر اقوام و ملل مهم باشد برای یهودیانی که همواره به دنبال منافع اقتصادی هستند، یک امر حیاتی است و جالب اینکه با این اوصاف طی گزارش مؤسسه بیمه ملی رژیم صهیونیستی 1/600/000 اسرائیلی در سال 2006 زیر خط فقر بوده‌اند. (34) و این به معنای هموار شدن مسیر مهاجرت معکوس برای یک یهودی است.

و طبیعی است که با وارد آمدن 5 میلیارد دلار خسارت به اقتصاد این رژیم در پی انتفاضه و افزایش بیکاری 11 درصدی و تعطیلی 100 کارخانه به صورت دائم و 300 کارخانه به طور موقت و اعلام قریب‌الوقوع ورشکستگی 75 هزار شرکت اسرائیلی و کاهش 39 درصد درآمد حاصل از توریسم، دیگر دلیلی برای ماندن در این رژیم نباشد. (35)

در این میان نخبگان علمی، اقتصادی و سیاسی در صدر مهاجرین معکوس هستند. به عنوان مثال یک استادیار دانشگاه در اسرائیل ماهانه کمتر از 2000 دلار دریافت می‌کند. در حالی که همین شخص در خارج می‌تواند ماهانه 5000 دلار درآمد داشته باشد. (36) از سوی دیگر در میان مهاجران یهودی که اسرائیل را ترک گفته‌اند، نام 25 هزار دانشمند نیز دیده می‌شود. این دانشمندان که در زمینه صنعت فعالیت می‌کردند رهسپار آمریکا شده‌اند. در همین خصوص شرگا بروش، رئیس اتحادیه

صنعتگران صهیونیست، به دولت اولمرت در خصوص فرار مغزها هشدار داده و گفته است با خروج این دانشمندان و متخصصان، زیانی بالغ بر 6/1 میلیارد دلار به اسرائیل وارد آمده است؛ چرا که این افراد با حضور خود در حدود صد هزار فرصت شغلی ایجاد کرده بودند و کالاهایی را تولید می‌کردند که صادرات آنها ده‌ها میلیارد دلار سود برای تل‌آویو به دنبال داشت. (37) وی در ادامه می‌افزاید تا سال 2006 بیست و پنج هزار پژوهشگر و دانشمند اسرائیلی راهی آمریکا شده‌اند که باید به این تعداد افراد دیگری را نیز اضافه نمود که کشوری را غیر از آمریکا انتخاب کرده‌اند. (38)

در عین حال یهودیان خود دلایل مهاجرت را از اسرائیل این‌گونه بیان می‌کنند:

1. عدم تحقق وعده‌های رژیم صهیونیستی در مورد اسکان در ارض موعود.

2. عدم برخورداری از رفاه حداقل در سطح کشور قبلی.

3. اقتصاد نابسامان رژیم صهیونیستی.

4. سیستم تبعیض‌آمیز در ساختار اجتماعی اسرائیل. (39)

دو عامل مرتبط با هم از جمله انتفاضه و تأثیر آن بر اقتصاد رژیم صهیونیستی هم‌اکنون به عنوان مهم‌ترین دلایل مهاجرت معکوس در رژیم صهیونیستی مطرح می‌شود که پس از 60 سال هنوز راهکاری برای حل آن طرح نشده است. و چون اساس و پایه تشکیل این رژیم از همان ابتدا بر اصول ناصحیح و غیرمنطقی بنا شده است امکان حل این مشکلات نیز غیرمحتمل است و بسیار بجاست که نتیجه و ختم این مقال با اعتراف گولان به عنوان یک خبرنگار یهودی در اسرائیل همراه شود. وی در یک گفتگوی صریح با یک صهیونیست منفعت‌طلب و ساکن آمریکا همچون الی ویزل می‌گوید: آنچه اشغال‌گری برای ما به ارمغان آورد، چیزی است که اساس زندگی ما را تهدید به وارد آوردن آسیب جبران‌ناپذیر می‌کند و آن هنگامی است که ما را به جامعه‌ای بی‌رحم و بی‌عاطفه تبدیل می‌کند. من علاقه ندارم که به چنین جامعه‌ای متعلق باشم. (40)

در واقع بحث مهاجرت و جمعیت مهم‌ترین بحث در بررسی‌های آسیب‌شناسی رژیم صهیونیستی است که خود را به آن بی‌توجه نشان می‌دهند ولی بسیار از آن هراسان و نگران هستند. گویی نقطه افول و هزیمت و فروپاشی اسرائیل را در آن می‌بینند.

پی‌نویش‌ها:

- 1- اصغر افتخاری، جامعه‌شناسی سیاسی اسرائیل، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، 1380، ص 44.
- 2- متی گولان، اسرائیل و یهودا، ص 66.
- 3- محمد ماضی، سیاست و دیانت در اسرائیل، ترجمه سید غلامرضا تهامی، تهران، مؤسسه اندیشه‌سازان نور، 1381، ص 29.
- 4- هوشنگ مشکین‌پور، از اورشلیم تا اورشلیم، لس آنجلس، مزدا، 1999، ص 469.
- 5- کیهان، 86/7/16.
- 6- متی گولان، همان، ص 53.
- 7- انتفاضه و مهاجرت معکوس، از سلسله مباحث انتفاضه و مقاومت اسلامی فلسطین، معاونت پژوهشی سازمان تبلیغات اسلامی، 1385، صص 27 و 28.
- 8- همان، ص 47.
- 9- متی گولان، همان، ص 6.
- 10- همان.
- 11- همان، ص 66.
- 12- همان، ص 6.
- 13- محمد ماضی، همان، ص 26.
- 14- نشریه پیام فلسطین، ارگان دفتر جنبش حماس در تهران، ش 47، ص 12.
- 15- همان، ص 13.
- 16- بولتن اسرائیل، مؤسسه ندا، ش 3-235، ص 2.
- 17- انتفاضه و مهاجرت معکوس، همان، صص 26، 27.
- 18- همان، ص 42.
- 19- کیهان، 86/7/16.
- 20- همان.
- 21- کیهان، 81/5/15.
- 22- سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، 1381، ص 494.
- 23- ایرنا، 86/6/17.
- 24- سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران، همان، ص 501.
- 25- همان، ص 496.
- 26- همان، ص 499.

- 27- متی گولان، همان، ص 65.
- 28- انتفاضه و مهاجرت معکوس، همان، صص 29، 30.
- 29- همان، ص 49.
- 30- همان.
- 31- همان، ص 33.
- 32- هفته‌نامه صبح صادق: ش 318، 26 شهریور 1386، ص 3.
- 33- مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین، سایت متعلق به حماس، 86/6/17.
- 34- قدسنا، 86/6/14.
- 35- انتفاضه و مهاجرت معکوس، همان، ص 34.
- 36- همان، صص 57، 58.
- 37- نشریه پیام فلسطین، ارگان دفتر جنبش حماس در تهران، ش 47، ص 12.
- 38- همان.
- 39- انتفاضه و مهاجرت معکوس، همان، ص 28.
- 40- متی گولان، همان، ص 21.

به نقل از «15 خرداد»، مقاله علیرضا سلطانشاهی، فصلنامه تخصصی در حوزه تاریخ‌پژوهی ایران معاصر، دوره سوم، سال چهارم، شماره 12، تابستان 1386